

به مناسبت شهادت امام رضا (ع)



بیا مرور کن ای اشک فاطراتش را

«میثم مومنی نژاد

گرفته بوی شهادت شب وفاتش را
بیا مرور کن ای اشک خاطراتش را
مورخان بنوشته‌اند با سرشک یتیم
هجوم درد به سرتاسر حیاتش را
سه سال شعب ابی طالب و شکنجه و ظلم
چقدر مرگ خدیجه فسرد ذاتش را
چه سنگها که بر آینه وجودش خورد
چه طعنه‌ها که ابوجهل زد صفاتش را
برای غارت جانش قریش خنجر بست
ولی خدای علی خواسته نجاتش را
دلش چو ماه شکست و دو نیم شد اما
ندید سبزی باران معجزاتش را
حرا شروع رسالت، غدیر خم پایان
ادا نمود تمامی واجباتش را

داغی اگر نبهد که گریان نمی‌شدیم

«مسعود اصلانی

داغی اگر نبود که گریان نمی‌شدیم
لطفی اگر نبود مسلمان نمی‌شدیم
"یا ایها الرسول" بدون دعای تو
از پیروان عترت و قرآن نمی‌شدیم
یا اینکه گوشه چشم ابوالفضل تو نبود
ما از تبار حضرت سلمان نمی‌شدیم
بی حجب خاندان تو در خانه کرم
جایی نداشتیم و مهمان نمی‌شدیم
ما امت تو ایم و علی هم کنار توست
آئینه ات نبود نمایان نمی‌شدیم
ما پای غربت نوه هایت نشستیم
ورنه شبیه نم نم باران نمی‌شدیم
هم ناله های امشب مولای امتیم
ما سوگوار رحلت بابای امتیم
در جان مسلمین چو آذر گذاشتند
بر جان شیعیان دو برابر گذاشتند
آه از نهاد اهل ولایت بلند شد
بر سیننه تا که داغ بیمبر گذاشتند
آقای من! بزرگ قبیله ز داغ تو
بر روی خاک عرصه ی محشر گذاشتند
هستی گریست تا نوه هایت رسیدی و
با گریه روی سیننه ی تو سر گذاشتند
تو باغبان امتی و جای اجر تو
یک شاخه یاس را وسط در گذاشتند

بنا به قول مشهور در بین شیعه، در روز ۳۰ صفر سال ۲۰۳ هجری قمری واقع گردیده است. آن حضرت توسط مأمون، خلیفه عباسی و با خوراندن شدن سم به شهادت رسیدند.

در مورد چگونگی شهادت امام رضا (ع)، دو روایت آمده است:

آب انار مسموم
عبدالله بن بشیر نقل می‌کند: مأمون روزی مرا خواست و چیزی شبیه به تمر هندی به من داد و گفت: «این را با دو دست خود خوب بمال و ورز بده»، من نیز چنان کردم. سپس برخاست و مرا تنها گذاشت و نزد حضرت رضا (علیه السلام) رفت و گفت: «حال شما چگونه است؟»، فرمود: «امیدوارم امروز بهتر بشوم»، مأمون گفت: «من نیز بحمدالله امروز خوبم»، سپس مأمون پرسید: «آیا امروز پرستاران و خدمتگزاران خدمت شما رسیده اند؟» حضرت فرمود: «نه»، مأمون قیافه‌ای خشمناک به خود گرفت و بر سر خادمان خود فریاد زد.

مأمون سپس گفت: «همین الآن آب انار را بخورید که برای رفع این بیماری چاره‌ای جز خوردن آن نیست»، عبدالله بن بشیر می‌گوید: مأمون به من گفت: «برای ما انار بیاور»، من هم آوردم، بعد مأمون رو کرد به من و گفت: «با دست خود آن را فشار بده و آبش را بگیر» من هم این کار را کردم، و مأمون آن آب انار را با دست خود به حضرت رضا (علیه السلام) خوراند و همان باعث شهادت حضرتش شد. ایشان پس از نوشیدن آن آب انار مسمومی که مأمون به او نوشاندید دو روز بیشتر زنده نبودند.

انگور آغشته به سم
از محمد بن جهم نقل شده که امام رضا

بگوید کار تمام شد، حضرت را مسموم کرد و آن علت اساسی که می‌گویند و قابل قبول هم هست و با تاریخ وفق دارد، همین جهت است *

پیشگویی امام رضا علیه السلام و اجدادشان از شهادت آن حضرت
رویداد شهادت امام رضا علیه السلام بوسیله زهر در شهر طوس در روایاتی از پیامبر یا ائمه اطهار علیهم السلام سال‌ها پیش از آن حضرت

پیش بینی شده بود. به عنوان نمونه شیخ صدوق همین که حضرت مرا دید به من فرمود: «یا ابا الفداء! گفت: امیرالمومنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام فرمود:

به زودی مردی از فرزندان من در سرزمین خراسان از روی ستم و جور به زهر کشته می‌شود، اسم او اسم من، و اسم پدرش اسم موسی بن عمران است بدانید هر کس او را در غربت زبانت کند، خداوند گناهان گذشته و آینده او را می‌آورد و لو این که به تعداد ستارگان و قطرات باران و برگ درختان باشد.

و سید هاشم بحرانی در مدینه المعجز می‌نویسد:

از سلیمان بن حفص مروزی روایت شده که گفت: از موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

پسر من علی را با سم مظلومانه به قتل می‌رسانند و او در جنب قبر هارون در طوس مدفون می‌شود، کسی که او را زیارت کند مانند کسی است که رسول خدا را زیارت نموده است.

«باشگاه خبرنگاران جوان + دانشنامه اسلامی

بنا به قول مشهور در بین شیعه، در روز ۳۰ صفر سال ۲۰۳ هجری قمری واقع گردیده است. آن حضرت توسط مأمون، خلیفه عباسی و با خوراندن شدن سم به شهادت رسیدند.

آب انار مسموم
عبدالله بن بشیر نقل می‌کند: مأمون روزی مرا خواست و چیزی شبیه به تمر هندی به من داد و گفت: «این را با دو دست خود خوب بمال و ورز بده»، من نیز چنان کردم. سپس برخاست و مرا تنها گذاشت و نزد حضرت رضا (علیه السلام) رفت و گفت: «حال شما چگونه است؟»، فرمود: «امیدوارم امروز بهتر بشوم»، مأمون گفت: «من نیز بحمدالله امروز خوبم»، سپس مأمون پرسید: «آیا امروز پرستاران و خدمتگزاران خدمت شما رسیده اند؟» حضرت فرمود: «نه»، مأمون قیافه‌ای خشمناک به خود گرفت و بر سر خادمان خود فریاد زد.

مأمون سپس گفت: «همین الآن آب انار را بخورید که برای رفع این بیماری چاره‌ای جز خوردن آن نیست»، عبدالله بن بشیر می‌گوید: مأمون به من گفت: «برای ما انار بیاور»، من هم آوردم، بعد مأمون رو کرد به من و گفت: «با دست خود آن را فشار بده و آبش را بگیر» من هم این کار را کردم، و مأمون آن آب انار را با دست خود به حضرت رضا (علیه السلام) خوراند و همان باعث شهادت حضرتش شد. ایشان پس از نوشیدن آن آب انار مسمومی که مأمون به او نوشاندید دو روز بیشتر زنده نبودند.

انگور آغشته به سم
از محمد بن جهم نقل شده که امام رضا

است و خود آن دولت و مایه ثروت است، او هر جا رود از او قدرشناسی کنند، و او را در صدر مجلس جا دهند، ولی آدم بی هنر، با در یوزگی و سختی لقمه نانی به دست آورد.

و دینار در پرتگاه نابودی است، یا دزد همه آن را ببرد و یا صاحب پول، اندک اندک آن را بخورد، ولی هنر چشمه زاینده و دولت پاینده است، اگر هنرمند تهیدست گردد، غمی نیست زیرا هنرش در ذاتش باقی

حکایت

هنر پیاموژا

حکیم فرزانه‌ای پسرانش را چنین نصیحت می‌کرد: عزیزان پدرا! هنر پیاموژید، زیرا نمی‌توان بر ملک و دولت اعتماد کرد، درهم

نتیجه عکس

«نمایی زیبا از حرم پیامبر مکرم اسلام (ص)



در سوگ اهل بیت(ع)

حسن بن علی نخستین فرزند امام علی(ع) و نخستین نوه پیامبر(ص) است. بنا بر گزارش‌های تاریخی، نام «حسن» را پیامبر(ص) برای او برگزید و او را بسیار دوست داشت. او هفت سال از عمر خود را با پیامبر(ص) همراه بود و در بیعت رضوان و ماجرای مابله با مسیحیان نجران حضور داشت.

از زندگی ایشان در دوران خلیفه اول و دوم خبر چندانی در دسترس نیست. به دستور خلیفه دوم به عنوان شاهد، در شورای شش نفره تعیین خلیفه سوم حاضر بودند. گزارش‌هایی نیز از شرکت ایشان در برخی جنگ‌ها در دوره خلیفه سوم وجود دارد.

حسن بن علی در ۲۱ رمضان سال ۴۰ هجری، و پس از شهادت امام علی(ع)، به امامت رسید و در همان روز، بیش از چهار هزار نفر با او برای خلافت بیعت کردند. معاویه، خلافت او را نپذیرفت و با لشکری از شام به سوی عراق حرکت کرد.

امام مجتبی(ع) سپاهی به فرماندهی عبیدالله بن عباس به سمت معاویه فرستاد و خود به همراه یک گروه دیگر به سبابا رفت. معاویه تلاش کرد با طرح شایعاتی میان سپاهیان امام حسن(ع)، زمینه را برای برقراری صلح فراهم کند. در این شرایط، امام حسن مورد سوءقصد یکی از خوارج قرار گرفت و زخمی شد و برای مداوا به مدائن انتقال یافت. همزمان، گروهی از سران کوفه به معاویه نامه نوشتند و قول دادند حسن بن علی را به وی تسلیم کنند یا به قتل برسانند. معاویه نیز نامه‌های کوفیان را برای حسن بن علی(ع) فرستاد و به او پیشنهاد صلح داد.

این قول مستند به منابع تاریخی است که جمع آوری همه آنها مستلزم نگارش یک کتاب می‌باشد و ما در این جا تنها به برخی از این نقل‌ها اشاره می‌کنیم:

الف. شیخ مفید چنین نوشته است: معاویه فردی را نزد جده، دختر اشعث بن قیس فرستاد که من تو را به همسری پسرم یزید در خواهم آورد؛ به شرط آن که تو حسن را زهر دهی و صد هزار درهم نیز برای او فرستاد و زن این کار را انجام داد و امام حسن علیه السلام زهر داد. معاویه، پول را به او داد؛ ولی او را به همسری یزید در نیارد و او پس از رحلت امام علیه السلام با مردی از خاندان طلحه ازدواج کرد و فرزندان برای او آورد و هر گاه میان آن فرزندان و سایر قبایل قریش سخنی و گفت‌وگویی پیش می‌آمد، قریش آنان را سرزنش کرده، می‌گفتند: ای پسران آن زنی که به شوهرش زهر می‌خوراند!

ب. علامه طبرسی چنین آورده است: معاویه به منظور قتل امام حسن علیه السلام، زهری برای جده دختر اشعث که همسر امام علیه السلام بود، فرستاد و به او مژده ازدواج با پسرش یزید را داد و گفت: چون این زهر را به خورد حسن بن علی علیهما السلام دهی، من تو را به عقد یزید، پسر خود در آورده، بلکه جهان گردانم و چون آن ملعون امام حسن علیه السلام را زهر خوراند و امام علیه السلام به شهادت رسید، به شام رفت و گفت: من به عهد وفا کردم و اینک وقت احسان توست. معاویه گفت: از پیش من دور شو؛ زنی که با مثل حسن بن علی علیه السلام نسازد، به یقین با پسر هم سازش نخواهد کرد؛ زیرا که شرافت و کرامت با حسن علیه السلام بود و تو که با فرزند رسول خدا صلی الله علیه وآله سازش نکردی، با پسر من سازش نخواهی کرد.

ج. بلاذری نیز چنین نوشته است: گفته شده که معاویه توطئه‌ای کرد و توسط جده دختر قیس، حسن بن علی (ع) را مسموم کرد. بنابراین، با توجه به شواهد و دلایل فراوان، مسئله شهادت امام حسن علیه السلام را بایستی از موضوعاتی دانست که از نظر تاریخی کوچک ترین تردیدی در صحت آن وجود ندارد. علاوه بر این امام حسن علیه السلام از نحوه رحلت خود خبر داده است.

امام حسن علیه السلام به خاندان خود فرمود: من به وسیله زهر، شهید می‌شوم همان طور که پیغمبر خدا صلی الله علیه وآله شهید شد. گفتند: چه کسی تو را مسموم می‌نماید؟ فرمود: جده، دختر اشعث بن قیس؛ زیرا معاویه وی را تحریک می‌کند و این دستور را به او می‌دهد. گفتند: پس جده را از خانه ات خارج و از خودت دور کن! فرمود: چگونه او را خارج کنم؛ در صورتی که هنوز عملی انجام نداده است. اگر من وی را خارج کنم، باز هم مرا می‌کشند! و علاوه بر این نزد مردم عذری خواهد داشت.

باید توجه داشت که هر چند خداوند متعال برخی از اخبار غیب را در اختیار معصومان علیهم السلام قرار داده، اما آنان در زندگی شخصی و دیگر امور از علم غیب استفاده نمی‌کنند و همانند سایر مردم زندگی می‌کنند و مورد آزمایش و سختی‌های دنیایی قرار می‌گیرند.

زمان و مکان شهادت

درباره سال، ماه و روز شهادت امام علیه السلام نقل‌های متعددی در منابع تاریخی – حدیثی ذکر شده، اما اغلب منابع به یکی از سال‌های ۴۱، ۵۰ یا ۵۱ تصریح کرده‌اند. کلینی، شیخ مفید و شیخ طوسی، تاریخ شهادت را ماه صفرسال ۴۹ دانسته‌اند که این قول، مورد اعتماد علما قرار گرفته است. محل شهادت امام را نیز بدون اختلاف، مدینه و قبرستان بقیع ذکر شده است.

لحظات پایانی عمر امام حسن علیه السلام

شیخ صدوق چنین نقل کرده است: موقعی که زمان شهادت امام حسن علیه السلام نزدیک شد، آن حضرت شروع به گریه کرد. به آن بزرگوار گفته شد: آیا گریه می‌کنی؛ در صورتی که مقام و منزلتی بزرگ نزد پیغمبر خدا صلی الله علیه وآله داری؟ شما بیست حج با پای پیاده به جای آورده‌اید و سه مرتبه مال خود (حتی نعلین خود را) با خدا تقسیم نموده‌ای... آن حضرت فرمود: من برای دو موضوع گریه می‌کنم؛ یکی هول [وحشت] موقع حساب و دیگری فراق دوستان.